

مباش



bi..ta



فاطمه تاجیکی



مباش

آرکای
المنهج

صحرای دل را که چشمت را باران کرد!
رحم مکن که از رحم فقط حسرت در آید!





شناسنامه کتاب:

ژانر: تراژدی

نام دننوشته: مباح

نام نویسنده: BI..TA کاربرد تک رمان

طراح: فاطمه تاجیکی

کیبست: SOSANO.O (فاطمه اکبری)

این کتاب در سایت تک رمان آماده شده است

www.taakroman.ir

خلاصه:

صحرا کن دلی را که چشمانت را باران کرد!
رحم مکن که از رحم، فقط حسرت در آید!

در جزیره‌ای از عشق دروغین،

!مانند پری باش سبک و آزاد

جدای از این عشاق، تو مباش اندوهگین!

د*ر*د گریه‌هایت را، حتی اویی نمی‌داند

.که چون تو، در شب هنگام زجه زد و گریست

تو، خودت، برای دردت کافیست!

در دنیایی که در آن، سنگ‌دل‌ها حکم رانی می‌کنند؛

در فراق و دل‌تنگی یارت مباش

معشوق‌ها، از غریبه‌ها، سنگ‌دل‌تراند!

در این‌برزخ خالی از عشق و جنون،

!تو مباش در فراقِ معشوق

چون ساز مخالفی بر سر عشق باش؛

خالی از هر گونه خنده‌ی معکوس!

.گویی عشق، از همان تظاهرهای دروغین ساخته شد

از یک تظاهر می‌توان قصه‌ی لیلی و مجنون ساخت؛

اما همان‌طور می‌شود از عشق زد و باتظاهر، سوی دل‌سنگی، تاخت!

.لالایی بخوان برای سنگی که در س*ی*نهات، آرامش ندارد

.!سمتی از س*ی*نهات خالی‌ست؛ برای آن، غم بخور

.آن‌دل که وجود خواهد داشت؛ گویی همان رویاست

رویایی که سنگ دید را؛ باید بد پندارند.

به ارزش تمام نتوانستن‌هایت،

.!می‌توانی دل‌سنگ شوی

بر تمام آرزوهایت،

می‌توانی پیشی‌گیری و هدفی برای خواستن‌هایشان شوی!

بر حکمِ عقل، دلت را ساکت کن؛

بر تمام قطراتِ خونت، اثر کن؛

آن قلب بزرگ و مهربان، گاهی می‌شود کاملاً ناتوان

نگذار کند فرمان؛

تا روزی نشوی پشیمان!

دگر مباش اندوهگینِ روزگار

!رها کن او را؛ زندگی‌ات را بکن

!او در فکر تو نیست و تو در دل تنگی، خاکستر مشو

حتی بر دوست نداشتنش؛ تظاهر کن

این دردها روزی فقط می‌شود "یادگار".

در سردی باران و سوزهایش،

قدم بزن آرام که شاید سنگِ در دلت، آرام گیرد

شاید که دگر برای معشوق، نگرید

گاهی خوب است کمی شوی دور؛

!اما بدان او، بی توست و تو بی آن، در دام غم گرفتار

به خود بیا و رها کن عشق را؛

مباش دگر برای نامردان، غم خوار!

.سرفراز باش از دل سنگت

.مخور حسرتِ عشق دروغین عشاق را

!عشق در ظاهر و عکسها زیباست

تا شوی کمی نزدیک و لمسش کنی؛

می شنوی از غمها داد و فریاد را.

.دگر معنایی ندارد روز شماری

!مگر عاقلانه است که در فراق نامردان بگریی؟

.کمی منطق را پیشه و دلت را آرام کن

در این دنیا که عاشق و معشوق سنگ و شیشه هستند؛

احمقانه است برای عشقت بمیری!

این فایل در سایت تک رمان تایپ و منتشر شده است. هرگونه کپی برداری پیگرد
قانونی دارد.

برای منتشر کردن آثار خود به سایت تک رمان مراجعه کنید

TaakRoman.IR

Forums.TaakRoman.IR

